فصلنامه مددکاری اجتماعی
و
بهزیستی اجتماعی

آماده کردن دانشجویان برای بالاترین سطوح فعالیت مددکاری اجتماعی[1]

نویسنده: دکتر مورلی گلیکن *
مترجم: عباسعلی یزدانی

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

سلام و وقت به خیر به جامعه مددکاری اجتماعی ایران.

حتما می‌دانید که من در آریزونای امریکا زندگی می‌کنم که به اسب و فیلم‌های کابویی معروف است. من هم با اسب خودم، تریگر، مشورت کردم و دیدیم نمی‌شود از آریزونا تا ایران رو اسب‌سواری کنیم اما روح من با شماست و برای شما آرزوی بهترین‌ها را دارم.

خب، برویم سراغ مقاله من که درباره نیاز به تنوع در عالی‌ترین سطوح فعالیت مددکاری اجتماعی است.

من به تنوع اعتقاد دارم. من معتقدم که بهترین فعالیت مددکاری اجتماعی از سوی کسانی اجرا می‌شود که نماینده زنان و مردانی از فرهنگ‌ها، مذاهب و باورهای سیاسی متنوع باشند. من اعتقاد دارم که سازمان‌هایی که از درجه بالایی از تنوع برخوردارند خلاق‌ترین و پیشروترین سازمان‌ها هستند.

این اعتقاد من حاصل تجربه عملیاتی من و تجربه تأسیس دو دانشکده مددکاری اجتماعی در ایالات متحده با دست خالی است. منظورم از دست خالی منابع محدود و ابهام فراوانی بود که مدیران دانشگاه درباره مددکاری اجتماعی داشتند. من مطمئنم کسانی که در حوزه آموزش کار می‌کنند کاملاً با این شرایط آشنا هستند.

من معتقدم بهترین تعامل‌ها در کلاس‌هایی اتفاق می‌افتد که در آن تنوع زیادی وجود داشته باشد. منظور من از تنوع، ترکیبی از نژادها، جنسیت‌ها، سنین، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، تجربه زندگی و سطوح درآمدی مختلف است.

---

۱. متن سخنرانی ارائه شده در چهارمین همایش بین‌المللی و سی و هفتمین همایش ملی روز مددکار اجتماعی که با محوریت انجمن مددکاران اجتماعی ایران و همکاری نهادهای مختلف علمی و اجرایی ملی و بین‌المللی در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ به صورت آنلاین برگزار شد.

* استاد مددکاری اجتماعی دانشگاه دولتی کالیفرنیای امریکا (mglicken@msn.com)

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

من معتقدم که کلاس‌های درس باید پویا و تعاملی باشند و دانشجویان با حساسیت بالای تجربه زندگی واقعی مددجویان ما یعنی با آزار، غفلت، فقر، خشونت و مسائل مهم و درمان نشده مرتبط با سلامت در تماس باشند. اگر به من باشد، همه کلاس‌های درس باید با دانشجویانی باشد که به صورت تمام وقت و در جایی باشند که تئوری و عمل با هم تلفیق می‌شوند.

من معتقدم همانطور که فقط تعداد کمی از افراد هستند که می توانند یک ماشین مسابقه‌ای را با سرعت ۲۵۰ مایل در ساعت برانند و به خودشان آسیبی نرسانند، تعداد کمی از افراد خاص هم هستند که می‌توانند کار مددکاری اجتماعی انجام دهند. اگر شما هم به اندازه من به نیاز به تنوع اعتقاد داشته باشید هر فرصتی را برای ارائه آموزش‌های پیشرفته به این افراد غنیمت می‌دانید. باور کنید، کیفیت کار آنها شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد اما باید دست به دست هم بدهید و باید این آموزش، واقعی باشد.

و اینکه در عین حال که من باور دارم که آموزش باید همراه با مشاهده، بحث، مطالعه و کار مستقیم با مراجعین انجام شود، الزاماتی آموزش هم وجود دارد که همه ما باید به آنها ملتزم باشیم. ما باید نهایت تلاشمان را بکنیم که عضوی از جامعه‌ای که مردم آن آب و غذای کافی برای آشامیدن و خوردن داشته باشند، جایی که حقوق قانونی برای محافظت از تک تک ما وجود داشته باشد، جایی که همه ما فرصت شغلی با دستمزد و مزایای کافی برای زندگی شخصی و خانوادگی‌مان داشته باشیم. رئیس جمهور بزرگ ما، فرانکلین روزولت این را در بحبوحه رکود بزرگ {دهه ۱۹۳۰ امریکا} مطرح کرد و هنوز هم صادق است.

مددکاری اجتماعی با کل جامعه کار می‌کند و نه فقط با فرد. این همان چیزی است که ما را متمایز می‌کند. وقتی به یک فرد کمک می‌کنید خانه‌ای بهتر پیدا کند، آن یک نفر به سایر کسانی که نیاز به مسکن دارند یاد می‌دهد چگونه به آن دست یابد. هرچقدر بیشتر درباره قومیت، مذهب، جنسیت یا ویژگی‌های فرهنگی مراجعین‌مان بدانیم همانقدر بهتر می‌توانیم به آنها کمک کنیم.

و اینکه یادمان باشد که در هر جامعه‌ای مددکاران بومی هم هستند. این ها، افراد آموزش ندیده اما خردمندی هستند که در زمانی که مددکاران اجتماعی در دسترس نیستند می‌توانند کارهای ارزشمندی انجام دهند و ما باید قدردان حضورشان باشیم.

و مرا ببخشید چون من می‌دانم که دانشجویان مددکاری اجتماعی نظرشان درباره پژوهش چیست اما گروه‌های متنوع دانشجویان ما باید پژوهش‌های چندفرهنگی را یاد بگیرند و اجرا کنند. نظام‌های طبقاتی {و کاستی}، مورد قبول نیستند.

یکی از دانشجویان من مشتاق بود بداند که چرا بچه‌های اسپانیایی‌تبار می‌توانند پیشرفت کنند در حالی که بسیاری از آنها از والدین بسیار فقیر هستند در حالیکه کودکان امریکایی تبار معمولا کمتر پیشرفت می‌کنند. اگرچه کودکان آمریکایی تبار در خانه‌های متمول‌تر زندگی می‌کنند و کودکان اسپانیایی تبار محبت کمتری از جامعه و

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

دوستان و اعضای خانواده خود دریافت می‌کنند. انجام پژوهش‌های چندفرهنگی کمک می‌کند تا افسانه‌ها را باطل کنیم و در عوض درک مراجعین و دانشجویان را ارتقاء دهیم

یکی دیگر از دانشجویان می‌پرسید چرا پیوند کلیه مراجعین اسپانیایی تبار این‌قدر بی‌کیفیت انجام می‌شود. او با ۷۵ مراجع اسپانیایی‌تبار که پیوند کلیه انجام داده بودند مصاحبه کرده بود و فهمیده بود که باور غلطی درباره درمان کلیه وجود دارد و آن این بود که نوشیدن نوع خاصی از مشروبات الکلی می‌تواند عملکرد کلیه‌ای که پیوند زده شده را بالاتر ببرد. وقتی دانشجویان اسپانیایی تبار من به این بیماران {هم فرهنگ خود} توصیه کردند که از نوشیدن الکل پرهیز کنند نرخ کلیه‌هایی که پس زده شدند به شدت پایین آمد. ما مقاله‌ای در یک روزنامه محلی نوشتیم و از جاهای مختلف به دانشجوی من زنگ می‌زدند که درباره پیوند کلیه اطلاعات بیشتری بگیرند.

یکی از چیزهایی که انبار مهارت‌های پژوهشی ما را توسعه می‌دهد، هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی، تأثیر فوق‌العاده‌ای در اقدامات مددکاری اجتماعی دارد. هوش مصنوعی در واقع توسعه ماشین‌هایی است که سرعت فرایند پردازش داده‌ها را بالاتر می‌برد و با هدایت انسان نتیجه‌گیری انجام می‌دهد. من معتقدم که ما از قبل موجودات هوشمندی را ایجاد کرده‌ایم که خودآموز هستند. هوش مصنوعی داده‌ها را از میان میلیون‌ها یا حتی میلیاردها داده موجود استخراج و تحلیل می‌کند. هوش مصنوعی از طرق مختلف می‌تواند به مددکاران اجتماعی کمک کند. من به چند مورد آنها اشاره می‌کنم: هوش مصنوعی می‌تواند مؤثرترین راه‌ها برای از بین بردن فقر را پیدا کند. می‌تواند موثرترین راه‌ها برای درمان اضطراب و افسردگی را پیدا کند. می‌تواند در کسری از ثانیه و بدون توجه به زبان، فرهنگ و قومیت پژوهشگر، بهترین درمان‌ها را بیابد. این را هم باید گفت که مددکاران اجتماعی باید محتوای پژوهشی خودشان را نیز به فرایند هوش مصنوعی اضافه کنند در غیر اینصورت ما متأسفانه کاملاً با یافته‌ها غریبه خواهیم بود.

ما حرفه‌ای داریم که بر این باور استوار شده که انسان‌ها بدون محیطی که حقوق انسانی بنیادینشان را تأمین کند نمی‌توانند ظرفیت‌های واقعی‌شان را شکوفا کنند. یعنی آب و غذای کافی، همزیستی صلح‌آمیز با همسایه‌ها، حفاظت در برابر خشونت، امکانات بهداشت و درمان مناسب و هزینه‌های مناسب، حق ابراز آزادانه عقاید، حمایت‌های قانونی در مواقعی که عقیده‌ای متفاوت از دیگران دارید، حق اشتغال با دستمزد و مزایای کافی که بتوانید نیازهای شخصی و خانوادگی را برآورده کنید.

{اما}ما چگونه گروه‌های متنوع دانشجویان و اساتید دانشگاه‌مان را برای {اجرای} تغییرات سازمانی و اجتماعی را مهیا کنیم؟ ما دانشجویانمان را در کنار حقوقدان‌ها قرار می‌دهیم و به آنها کمک می‌کنیم یاد بگیرند چگونه لایحه حقوقی بنویسند. ما آنها را در زمان کمپین‌های سیاسی در کنار سیاستمداران می‌گذاریم تا یاد بگیرند که کدام مسیرهای سیاسی می‌تواند به نفع مردم باشد. ما تجارب آموزشی‌مان را بسیار متنوع

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

تنظیم می‌کنیم تا دانشجویان بتوانند اقدامات مبتنی بر شواهد را در سطح خرد و کلان یاد بگیرند اما هیجان انگیزترین اقدامات زمانی اجرا می‌شود که مددکار اجتماعی در هر دو سطح اجرا شود. با هوش مصنوعی می‌توانیم مطالب آموزشی غیرمفید را حذف کنیم و بر محتوای که اعتبار پژوهشی بالایی دارند متمرکز شویم.

من معتقدم پژوهش‌های قدرتمند و مفید از این باور می‌آید که همه پژوهش‌های عملیاتی باید مبتنی بر شواهد باشد. اقدام مبتنی بر شواهد می‌گوید استفاده از پژوهش و تفکر انتقادی به کنشگران ما کمک می‌کند از مفیدترین و مناسب‌ترین راه‌ها برای درمان مسئله‌های اجتماعی و عاطفی مراجعین بهره بگیرند. اقدام مبتنی بر شواهد برای زمانی است که هزینه‌های مراقبت مدیریت شده و دغدغه‌های مرتبط با سلامت با شواهد فزاینده همراه می‌شود. زمانی که روان درمانی، مدیریت مورد و مشاوره راه‌های مؤثری برای درمان مشکلات اجتماعی و عاطفی نیستند. برگین (۱۹۷۱) در مروری درباره اثربخشی روان‌درمان طی یک دوره ۴۰ ساله می‌نویسد:

روان‌درمانی می‌تواند اثر مثبت اما متوسطی داشته است. اما واضح است که در این نتیجه‌گیری باید وجود فرایندهای درمانی که همزمان اجرا می‌شوند را در نظر گرفت که غیرمفید بودن یا حتی مضر بودن برخی از این درمان‌ها امروز برایمان روشن شده است (ص ۲۶۳۶)

فلاهرتی (۲۰۰۱) تلاش کرد دلیل کمبود شواهد برای اثربخشی روان‌درمانی را پیدا کند و به این باور رسید که باورهای غلط و موهومی پشت برخی رویکردهای درمانی مشخص وجود دارد که باعث می‌شود کماکان برقرار بمانند و اینکه "باورهایی بی‌اساس با منشأ نامعلوم ممکن است به عنوان نوعی افسانه درمانی از اساتید به دانشجویان منتقل شود. (ص ۱)

در پاسخ، اقدام مبتنی بر شواهد معتقد است ما باید تحقیقات را طرف مشورت خود قرار دهیم و مراجعین را در تصمیم‌گیری درباره درمانشان دخیل کنیم. این کار نیازمند یک رابطه همیارانه با مراجعین است به گونه‌ای که صاحبان حرفه‌های یاورانه به سبک و سیاق تسهیل‌گرانه کار می‌کنند تا مراجعین را تشویق کنند که اطلاعات جمع‌آوری کرده و آنها را نقادانه و منطقی تحلیل کنند. اقدام مبتنی بر شواهد با رویکردهای تصدی‌گرایانه فرق دارد که می‌گوید که اطلاعات مددکار اجتماعی درباره مراجع، از خود مراجع بیشتر است و اینکه مددکار اجتماعی تنها مرجعی است ک باید فرایند کمک کردن را قضاوت کند.

من بهترین سال‌های عمر کاری‌ام را صرف نوشتن درباره اقدامات مبتنی بر شواهد کرده‌ام. کتاب‌های که درباره این موضوع نوشته‌ام راه‌حل‌های سرراستی برای متخصصین حرفه‌های یاورانه در اختیار می‌دهند. در این کتاب‌ها تعاریف اقدام مبتنی بر شواهد، اطلاعاتی درباره محل استخراج بهترین شواهد، مسیرهای تحلیل و ارزشیابی شواهد و پیشنهادهایی درباره بهترین شیوه‌های بهره‌گیری از شواهد بحث شده‌اند. همچنین فصل‌های متعدد در این کتاب‌ها به استفاده از اقدامات مبتنی بر شواهد برای مقابله با

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

مسئله‌های اجرایی رایج اختصاص یافته‌اند. همراه با شواهدی که در این کتابها بحث شده چندین مطالعه موردی هم آمده تا نشان دهد چگونه می‌توان از اقدامات مبتنی بر شواهد در شرایط زندگی واقعی استفاده کرد. در هر فصل، مثال‌های متعددی ذکر شده‌اند با بررسی‌های نقادانه نشان می‌دهند که آنچه به عنوان بهترین شواهد معرفی می‌شوند در حقیقت پادزهرها {یا درمان‌ها}ی جعلی هستند که پژوهش‌های تصدی‌گرایانه ایجاد کرده‌اند تا ما را وادار کنند که یافته‌هایشان را بپذیریم، چرا، چون "باید" بپذیریم. شناخت جعلیات به مددکاران اجتماعی کمک می‌کند تا بهترین شواهد موجود را به چالش بکشانند و اگر یک مطالعه کفایت ندارد آن را رد کنند و به سمت مطالعات مفیدتر بروند. آیا پژوهشگر آنچه به او گفته شده را انجام داده و آیا یافته‌ها واقعاً منطقی هستند؟ این کتاب‌ها بر این مسائل متمرکز شده‌اند و امیدوارم بتوانیم همکاران مددکاران اجتماعی را متقاعد کنند همانطور که از پزشکان‌مان انتظار داریم درمان‌هایی را تجویز کنند که به لحاظ علمی ثابت شده‌اند، ما هم همان‌طور درباره مراجعین‌مان کار کنیم.

من امیدوارم که شما از تنوع در کارهایتان و فعالیت‌های آموزشی‌تان استفاده کنید و همانگونه جان لنان می‌گوید "یک فرصت هم به اقدام مبتنی بر شواهد بدهید".

امیدوارم این مقاله برای شما مفید بوده باشد. من متوجه هستم که این صحبت‌ها برای کسانی که تجارب بسیار متفاوتی در مددکاری اجتماعی دارند بیان می‌شود و ممکن است کمی مغرورانه به نظر برسند؛ اما امیدوارم این گونه نبوده باشد. برایتان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]

Morley D. Glicken, DSW
Tuscon, Arizona

About the Author: Dr. Morley D. Glicken

Dr. Glicken is the former Dean of the Worden School of Social Service in San Antonio; the founding director of the Master of Social Work Department at California State University, San Bernardino; the past Director of the Master of Social Work Program at the University of Alabama; and the former Executive Director of Jewish Family Service of Greater Tucson. He has held faculty positions in social work at the University of Kansas and Arizona State University.

Dr. Glicken received his BA degree in social work with a minor in psychology from the University of North Dakota and holds a Master of Social Work degree from the University of Washington and the Master of Public Administration and Doctor of Social Work degrees from the University of Utah. He is a member of Phi Kappa Phi Honorary Fraternity.

Dr. Glicken has published numerous books including two books for Allyn and Bacon/Longman Publishers in 2002: The Role of the Helping Professions in the Treatment of Victims and Perpetrators of Crime (with Dale Sechrest), and A Simple Guide to Social Research; and two additional books for Allyn and Bacon/Longman in 2003: Violent Young Children, and Understanding and Using the Strengths Perspective. He published Improving the Effectiveness of the Helping Professions: An Evidence-Based Approach to Practice in 2004 for Sage Publications and Working with Troubled Men: A Practitioner's Guide for Lawrence Erlbaum Publishers in Spring 2005. In 2006 he published Life Lessons from Resilient People, and Social Work in the 21st Century: An Introduction to Social Problems, Social Welfare Organizations, and the Profession of Social Work (a 2nd Edition was published in 2011), both published by Sage Publications. He published two books for Elsevier Publishers in 2009: Evidence-Based Practice with Emotionally Troubled Children, and Evidence-Based Counseling and Psychotherapy with an Aging Population, and a third book for Elsevier, Treating Worker Dissatisfaction with Ben Robinson in 2013. He is busily at work on the third edition of Writing for Human Service Professionals (2008, 2018, 2023). Rowman and Littlefield Publishers.

Dr. Glicken has published over 50 articles in professional journals and has written extensively on personnel issues for Dow Jones, the publisher of the Wall Street Journal. He has held clinical social work licenses in Alabama and Kansas. He is currently Professor Emeritus in Social Work at California State University, San Bernardino, and the Director of the Institute for Positive Growth: A Research, Treatment, and Training Cooperative in Tucson, Arizona offering consulting services to non-profit agencies. Dr. Glicken lives and works in Tucson, Arizona.

More information about Dr. Glicken can be found on his website: www.morleyglicken.com. A complete list of his books is available on Amazon at: http://authorcentral.amazon.com/v/1973805540. He can be contacted by e-mail at: mglicken@msn.com.

دوره ۲
شماره ۱
سال ۱۴۰۲

[Downloaded from swasw.socialwork.ir on 2026-11-17]